

تاریخ: ۵۸/۴/۴

بیانات امام خمینی در جمع مردم اردکان فارس

بسم الله الرحمن الرحيم

پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی، الهی و اسلامی

انقلاب‌هایی که در دنیا واقع می‌شود دو جور است. یک انقلابی، انقلاب اسلامی است و یک انقلاب غیر اسلامی. انقلاب اگر انقلاب غیر اسلامی باشد، این انقلاب بعد از انقلاب دیگر بند و باری در کار نیست و هر طوری که می‌خواهند با مردم عمل می‌کنند، مهاری در کار نیست. لکن انقلاب اگر اسلامی باشد یعنی متکی به ایده اسلام، متکی به احکام اسلام باشد این باید از اول انقلاب تا آخر - ابد - که این انقلاب و آثارش هست این اسلامی باشد و تحت احکام اسلام. ملت ما تا اینجا آمده است و بحمدالله با پیروزی به اینجا رسیده است لکن پیروزی این نیست که ما فقط طاغوت را از بین ببریم پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی، الهی، اسلامی که همه کارهایمان، همه عقایدمان، همه اخلاقمان، همه اسلامی باشد.

اصل، محفوظ ماندن مکتب است نه به دست آوردن پیروزی ظاهر

الان چشم همه متفکرین دنیا تقریباً دوخته شده است به ایران و توجه به این الان هست که آیا این ایرانی‌ها که به این پیروزی رسیدند و مدعی هستند به اینکه اسلام بالاترین مکتب است، اسلام از همه مکتب‌های عالم منزّه تر است، آیا این مردمی که این ادعا را دارند، اینها چه جور هستند الان؟ الان که جمهوری اسلامی در ایران مستقر شده است یعنی رژیم الان رژیم جمهوری اسلامی است، آیا این نظام اسلامی در ایران چه اثری داشته است؟ همان مسائل سابق است منتها مهره‌ها تفاوت کرده است؟ آن روز مامورین انتظامی و مامورین دولتی، آنها ظلم می‌کردند و حالا پاسداران اسلامی و مزدم اسلامی و بازار اسلام ظلم می‌کنند؟ فقط اسم تغییر کرد و افراد تغییر کردند لکن مطلب باقی است و مطالب باقی است؟ یا خیر، آن هم، محتوا هم تغییر کرده است؟ من خوف این را دارم که ما در دنیا یک شکست بزرگ بخوریم و آن شکست مکتبمان باشد. من از این بسیار خوف دارم. شکست ما اگر مکتبمان محفوظ باشد و شکست بخوریم اشکالی در کار نیست، بسیاری از اولیاء خدا در مقابل غیر، شکست خوردند اما مکتبشان محفوظ بود. اگر خدای نخواسته ما پیروز بشویم به این معنا که آن دسته‌ای از

ظالم‌ها که بودند و آن دسته‌ای از چپ‌اولگران که بودند بیرون کردیم لکن به جای آنها یک دسته ظلمه دیگری با یک محدودیت خاصی و چپ‌اولگرهای دیگری با یک محدودیتی به جای او نشست، این موجب این می‌شود که مکتب ما در دنیا منعکس بشود که مکتب درستی نبوده، شکست در مکتب واقع بشود. آن شکستی که چیزی نمی‌تواند بپذیرد این شکست است. به دست خود می‌تواند شکست بخورد.

هشدار به رعایت حدود و عمل به موازین شرعی برای پیشگیری از شکست

همیشه الان ما در تمام سطح ایران می‌بینیم که یک نابسامانی‌هایی هست، یک اختلافاتی هست، یک کارهایی هست که نباید بشود. چیزهایی که برخلاف رضای خداست، برخلاف دستور پیغمبر اکرم است، برخلاف دستور اسلام است، در همه سطح کشور واقع می‌شود. نه همه می‌کنند، لکن در تمام سطح کشور هستند اشخاصی که همچو کارهایی می‌کنند و خوف این است که این به پای اسلام نوشته بشود، به پای جمهوری اسلام نوشته بشود و در خارج بگویند این هم نظام اسلام و این هم جمهوری اسلام که مثل سابق است با اختلاف افراد همانطوری که سابق می‌ریختند توی خانه‌های مردم و می‌گرفتند و هیچ تحت قاعده‌ای نبود الا قاعده جباریت و ظلم، حالا هم بی‌میزان مثلاً در بعضی جاها می‌روند خانه مردم و چه می‌کنند، این پای اسلام حساب بشود. اگر پای خود ما حساب می‌شد، خوب مسلک بود، مسلک صحیح. لکن آنهایی که می‌خواهند در این مملکت باشند آنها دارند خلاف می‌کنند، مثل کارهای رژیم سابق، آن را پای اسلام حساب نمی‌کردند، آنها یک دسته‌ای بودند که کارهایی می‌کردند و زوی رژیم طاغوتی بود، این به مسلک ما هیچ ضرری وارد نمی‌آورد، به مملکت ما ضرر وارد می‌آورد اما مسلک ما محفوظ می‌ماند و آنها را خلاف اسلام می‌دانستند، خلاف رژیم اسلام می‌دانستند. لکن اگر امروز خدای نخواست در طبقات مردم خصوصاً در طبقات روحانیین که آنها در راس هستند و آنها نماینده اسلام هستند اگر خدای نخواست بعضی اشخاص مجلس به لباس روحانیین یک کاری بکنند به اسم روحانی، یک کاری بکنند به اسم کمیته کذا و این کار برخلاف موازین شرعیه باشند، این را دیگر نمی‌آیند حساب کنند به اینکه این رژیم طاغوتی است، می‌گویند رژیم اسلامی است و این هم کارهایش، این هم حرف‌هایی است که دارند می‌زنند و لهذا امروز یک مسأله خطرناکی مطرح است. ما آنوقت اگر شکست خورده بودیم از طاغوت هیچ ابائی نداشتیم خوب ما شکست خوردیم حضرت امیر سلام الله علیه هم از معاویه شکست خورد آن ابائی نبود خوب ما یک مطلبی را می‌گفتیم، مطلب حقی داشتیم می‌گفتیم، نتوانستیم پیش ببریم آنها غلبه کردند بر ما. اما امروز مسأله آن نیست. امروز یک صیغه دیگری در کار است و آن این است که مسلمین، ملت ما شکست داد طاغوت را و رأی داد به جمهوری اسلامی و شد مملکت، مملکت اسلامی. اگر امروز ما یک خطاهائی بکنیم که دشمن‌های ما در خارج دامن به آن بزنند، در داخل دامن به آن بزنند و منعکس کنند در خارج و داخل به اینکه اسلام هم مثل سایر مکتب‌ها بلکه پسا این تر از او، این شکست، شکستی است که چیزی ناپذیر است. شکست حضرت امیر از معاویه هیچ اهمیتی نداشت برای اینکه شکست مسلک

نبود شکست شخص بود. اما اگر ما الان مدعی هستیم که اسلام است رژیم مائولی وقتی برویم سراغ بازار بینیم بازار همان بازار سابق است، ربا همان ربا سابق است، چپاولگری همان چپاولگری سابق است، اجحاف و گرانفروشی فوق العاده همان است که سابق بود، برویم توی ادارات هم بینیم همان اشخاص و همان وضع و همان نابسامانی آنجا هم هست، برویم در مثلاً دانشگاه بینیم آنجا هم مسائل همان مسائل است، هر جا برویم همان مسائل باشد این موجب این می شود که انعکاس پیدا بکند که رژیم فاسدی رفت یک رژیم فاسدی جایش نشست. کاری ما نکردیم جز اینکه یک رژیم فاسدی را ما از بین بردیم که آن رژیم فاسد کارهایش پای اسلام حساب نمی شد. این خطر نبود که اگر چنانچه محمد رضا یک ظلمی بکند یا سازمان امنیت مردم را چه بکند این به اسلام مربوط است. هیچ جدا بود. حساب اسلام جدا، حساب آنها هم جدا بود. این خطر آن روز هیچ نبود بلکه هر چه آنها ظلم می کردند اسلام تقویت بیشتر می شد. «لازال یؤید هذا الدین الرجل الفاجر» رجل فاجر، آدم فاسق، آدم ظالم هر چه ظلم بکند تایید دین است برای اینکه دین عدل است او هر چه ظلم بکند مردم توجهشان به دین زیادتر می شود اما امروز که مملکت یک مملکت اسلامی است، رژیم یک رژیم اسلامی است و یک آزادی برای مردم پیدا بشود، از این آزادی اگر بخواهد خدای نخواسته یک استفاده های سوئی بشود و از این آزادی یک ظلمی بشود، تعدی بشود — عرض می کنم که — کارهایی که بر خلاف مسیر انقلاب است بشود، اینطور نیست که ما مثل شکست از محمد رضا باشد که برایمان اهمیت هیچ نداشت. امروز شکست — مسلک شکست می خورد، این است که مهم است. باید ما همه بیدار باشیم، متوجه باشیم به اینکه از آزادی سوء استفاده نکنیم. حالا که آزاد هستیم هرج و مرج بشود، هر کسی بخواهد برای خودش، همچو آزادی در بین بشر نباید باشد، در اسلام مطرح نیست یک همچو آزادی که کسی آزاد باشد که مردم را اذیت کند، کسی آزاد باشد که اجحاف بکند و همین طور از سایر چیزها. امروز همه ما امانتدار اسلام هستیم، اسلام الان سایه افکنده بر سر ما از باب اینکه رژیم سلطنتی مبدل شد به رژیم اسلامی. الآن که این امانت دست ما آمده است اگر خدای نخواسته ما به این امانت خیانت بکنیم و این را در نظر غربی ها، در نظر دشمن های ما، در نظر دشمن های داخلی و خارجی و آن اشخاصی که می خواهند این نهضت را آلوده کنند، تنگین کنند، اگر ما الان یک عملی بکنیم که بهانه دست اینها بدهیم ما خیانت به اسلام کرده ایم و باید همه چشم هایمان را باز بکنیم. بالاتر از همه طبقه روحانیون هستند که باید بسیار با توجه، حالا غیر سابق است سابق روحانیون نمی توانستند کاری بکنند اگر کاری هم می کردند می گفتند که این ساواکی است. اگر یک معممی یک کار خلافی می کرد مردم می گفتند این ساواکی است، این از خدمه مثلاً ظلمه است. امروز که همچو چیزی را نمی شود گفت امروز، اگر خدای نخواسته یک نفر روحانی (که نمی کند او، یک نفر صورت روحانی) بیاید در بینشان واقع بشود یا در کمیته ها برود و یک خلافی بکند، امروز دیگر نمی گویند ساواکی است، امروز می گویند روحانی است دارد این کار را می کند، ذیروز ساواکی این کار را می کرد امروز روحانی این کار را می کند و همین طور شماها ذیروز بازار، بازار طاغوت بود امروز بازار اسلام است. محتوایش

فرق کرد؟ نه، رباخور همان رباخور، گرانفروش همان گرانفروش، اجحاف کن همان اجحاف کن و همین طور در هر جای مملکت که برویم اگر محتوا تغییر نکند خوف این است که مکتب ما مورد اهانت واقع بشود، مردم از مکتب ما برگردند و این بالاترین شکستی است که ممکن است بر ما وارد بشود و الا فرض کنید یک کسی هم (اینها هم نمی شود اما فرض کنید شد) اینها رو ابطشان را با هم درست کردند و امریکا هم پشت سرش آمد و یک کودتا هم شد ما را هم همه را کشتند و از بین بردند و خودشان جایش نشستند، این شکست مسلک نیست ما شکست نخوردیم ما شکست طبیعی خوردیم، نه شکست معنوی. اما اگر خود ما یک کارهایی بکنیم که در بین مردم، در بین جوامع، در بین متفکرین با دامن زدن دشمن های ما در داخل و خارج بر مسائل و مکتب ما اسباب این بشود که شکست بخورد، این شکست است که دیگر جبران ندارد، این شکستی است که در مقابل این، انبیا ایستادند، در مقابل این، اولیا ایستادند که این شکست واقع نشود جانشان را دادند برای اینکه مکتبشان محفوظ بماند. در هر صورت ما الحمد لله تا حالا آمده ایم لکن از این به بعد مشکلتر است مسأله و اهمیتش بیشتر است. و من از شما آقایان هم تشکر می کنم که از راه دور آمده اید با ما ملاقات کنید و به رفقای شما خودتان و بدوستان ما و به برادرهای ما سلام من را تبلیغ کنید. خداوند همه شما را تأیید کند و موفق.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته